

اظهار نظر مجمع شورتی حقوقی

در خصوص:

- طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان
- اظهار نظر کارشناسی درباره طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی
- اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس
- اظهار نظر کارشناسی در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان
- اظهار نظر کارشناسی در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت‌های آب منطقه‌ای استان‌های کشور
- اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران
- اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان

کد گزارش: ۹۳۰۸۰۲۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۰۸/۲۷

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

موضوع: اظهار نظر مجمع مشورتی حقوقی در خصوص

طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان
مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر
اساس دو سال آخر بیمه پردازی سنوات ارفاقی آنان..... ۱

اظهار نظر کارشناسی درباره طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و
شصتم (۱۶۰) قانون

اساسی..... ۸

اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس..... ۱۷

اظهار نظر کارشناسی در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان
آب و برق خوزستان..... ۲۰

اظهار نظر کارشناسی در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت های آب
منطقه ای استان های کشور..... ۲۴

اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران..... ۳۰

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان..... ۳۳

تهیه کننده: پژوهشکده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۳۰۸۰۲۵

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۳/۰۸/۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان

مقدمه

«طرح یک فوریتی الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان» که در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲ اعلام وصول شده بود، با اصلاحاتی در جلسه علنی مجلس در تاریخ یکشنبه ۱۳۹۳/۸/۱۸ به تصویب رسید و بر اساس اصل ۹۴ قانون اساسی برای اظهار نظر نزد شورای نگهبان ارسال گردید.

پیشینه

ماده واحده «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت» در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب این ماده واحده به دولت اجازه داده شد «... از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت سه سال کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی را که حداقل بیست و پنج سال سابقه خدمت قابل قبول داشته باشند با حداکثر پنج سال سنوات ارفاقی بدون شرط سنی در صورت تقاضای کارکنان و موافقت دستگاه متبوع خود بازنشسته نماید...»

قانون مزبور به موجب «قانون تمدید قانون بازنشستگی پیش از موعد

کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶» مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ از تاریخ اتمام مهلت اجرای آن به مدت پنج سال تمدید گردید.

اما مسئله ای که در رابطه با اجرای «قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت» بوجود آمد، مربوط به حقوق و مزایای کارکنانی است که مطابق شرایط این قانون بازنشسته شده اند.

به موجب ماده واحده قانون مزبور «پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان براساس سی سال پرداخت خواهد شد»

و مطابق تبصره «۴» همین قانون «کارکنانی که به استناد این قانون بازنشسته می‌شوند از حقوق و مزایای سایر قوانین و مقررات که برای کارکنان بازنشسته در نظر گرفته شده است بهره‌مند خواهند بود.»

بنابراین در این قانون به نحوه پرداخت حقوق بازنشستگی این دسته از کارمندان اشاره نشده است و حقوق بازنشستگی این دسته از کارکنان حسب مورد با توجه به اینکه مشمول کدام صندوق بازنشستگی می‌باشند مطابق با قوانین و مقررات مربوطه تعیین خواهد شد.

از جمله کارکنانی که مطابق شرایط این قانون بازنشسته شده اند یا می‌شوند مشمولین قانون تأمین اجتماعی هستند ولذا حقوق و مزایای آنان نیز بر اساس قانون تأمین اجتماعی تعیین خواهد شد. این امر در تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مشخص شده است. بر اساس تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی «مجموع مزد یا حقوق بیمه شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت شده، ظرف آخرین دو سال پرداخت بیمه» ملاک تعیین مستمری است.

حال با توجه به اینکه این تبصره «آخرین دو سال پرداخت بیمه» را ملاک

تعیین حقوق بازنشستگی قرار داده است در عمل این ابهام به وجود آمد که منظور از «آخرین دو سال» دو سال آخر خدمت واقعی کارکنانی است که مطابق قانون بازنشستگی پیش از موعد بازنشسته شده اند (یعنی سنوات ۲۴ و ۲۵) و یا دو سال آخر سنوات ارفاقی که دولت به جای کارکنان مشمول قانون مزبور حق بیمه را پرداخت نموده است^۱ (یعنی سنوات ۲۹ و ۳۰).

ابهام مزبور منجر به ارائه طرحی از سوی مجلس شورای اسلامی شد تحت عنوان «طرح استفساریه تبصره ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی» که در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. (فارغ از شکایات ارسالی به دیوان عدالت اداری و در نهایت صدور رأی وحدت رویه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری) به موجب این استفساریه، مستمری بازنشستگان موضوع ذیل ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی باید بر اساس میانگین بیمه‌پردازی دو سال آخر (سال ۲۹ و ۳۰) محاسبه گردد. به عبارتی به موجب این استفساریه حقوق بازنشستگی آن دسته از کارکنانی که مطابق قانون بازنشستگی پیش از موعد بازنشسته شده اند براساس دو سال آخر سنوات ارفاقی که دولت به جای کارکنان مشمول قانون مزبور حق بیمه را پرداخت نموده است (یعنی سنوات ۲۹ و ۳۰) پرداخت خواهد شد.

شورای نگهبان در خصوص این استفساریه اینگونه اظهار نظر نمود:

۱. به موجب تبصره ۱ و ۲ ماده واحده قانون بازنشستگی پیش از موعد، سهم صندوقهای بازنشستگی بابت پرداخت حقوق بازنشستگی و نیز کسور بازنشستگی و یا حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما نسبت به سنوات ارفاقی از سوی دولت تأمین و به صندوقهای مذکور پرداخت خواهد شد.

«با توجه به نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان^۱ از اصل ۷۳ قانون اساسی، طرح فوق‌الذکر تفسیر نیست بلکه قانون‌گذاری است، لذا مغایر اصل مذکور شناخته شد»

حال مجلس مجدداً به منظور حل این مسئله اقدام به تصویب ماده واحده ای نموده است که بر اساس آن «سازمان تأمین اجتماعی موظف است نسبت به برقراری حقوق بازنشستگان پیش از موعد مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت (مصوب ۱۳۸۶/۶/۵) بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی، از تاریخ بازنشستگی آنان اقدام کند؛ به نحوی که در شرایط برابر، پرداختی به این اشخاص از بازنشستگانی که همزمان با آنان با سی سال سابقه بیمه‌پردازی بازنشسته شده‌اند، بیشتر نگردد.»

بررسی و تبیین

آنچه که در خصوص این طرح حائز اهمیت می‌باشد بارمالی ناشی از آن است که دربردارنده دو مسئله است. مسئله اول مشتمل بر این است که آیا طرح حاضر دارای بارمالی است؟ و اگر دارد ناشی از چیست؟ مسئله دوم نیز در خصوص منبع ارائه شده جهت تأمین بارمالی ناشی از این طرح است که نیازمند بررسی می‌باشد.

اما در خصوص مسأله نخست باید گفت که بر اساس تبصره ماده (۷۷) قانون

۱. نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان در خصوص اصل ۷۳ قانون اساسی :

«۱- مقصود از تفسیر بیان مراد مقنن است بنابراین تزییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود....»

تأمین اجتماعی «مجموع مزد یا حقوق بیمه شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت شده، ظرف آخرین دو سال پرداخت بیمه» ملاک تعیین مستمری است و در واقع آن سال هایی مد نظر می باشد که بیمه شده مزد و حقوق دریافت کرده و بر اساس آن حق بیمه پرداخته است. در نتیجه نمی توان سال هایی را که بیمه شده مزد و حقوق نمی گیرد را ملاک پرداخت حقوق بازنشستگی دانست.

همچنین مطابق بند «۵» ماده (۲) قانون تأمین اجتماعی، «مزد یا حقوق یا کارمزد در این قانون شامل هرگونه وجوه و مزایای نقدی و غیرنقدی مستمر است که در مقابل کار به بیمه شده داده می شود» و بنابراین «مزد یا حقوق بیمه شده» که در تبصره ماده (۷۷) مبنای پرداخت مستمری بازنشستگی قرار گرفته است، آن وجوهی است که در مقابل کار و خدمت واقعی به بیمه شده پرداخت شده است. در حالی که در سنوات ارفاقی چنین کار و خدمتی اساساً انجام نگرفته است؛ لذا براساس بند «۵» ماده (۲) و تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی، آخرین دو سال خدمت واقعی بازنشستگان مبنای پرداخت مستمری بازنشستگی است نه دو سال آخر دوره ارفاقی. فلذا پیش بینی پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس دو سال آخر بیمه پردازی سنوات ارفاقی به جای دو سال آخر خدمت واقعی منجر به افزایش حقوق بازنشستگی این دسته از کارکنان مشمول قانون تأمین اجتماعی و در نتیجه ایجاد بار مالی جدید برای سازمان تأمین اجتماعی خواهد شد.

از همین رو مجلس در انتهای مصوبه خود به نحوه تأمین بار مالی جدید پرداخته است. به موجب ذیل مصوبه حاضر «بار مالی این قانون از محل وجوه دریافتی موضوع تبصره (۱) و (۲) قانون مذکور تأمین می شود.»

اما در خصوص مسأله دوم، یعنی نحوه تأمین بارمالی، تبصره «۱» قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مقرر می‌دارد: «دستگاه‌های اجرائی مشمول این قانون مکلفند بار مالی ناشی از اجرای این قانون در سال ۱۳۸۶ را از محل اعتبارات سال جاری خود پرداخت نمایند. اعتبار مورد نیاز برای سال‌های آتی در قوانین بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی و تأمین خواهد شد.»^۱

همچنین بر اساس تبصره (۲) این قانون «سهم صندوق‌های بازنشستگی بابت پرداخت حقوق بازنشستگی و نیز کسور بازنشستگی و یا حق بیمه‌ی سهم مستخدم و کارفرما نسبت به سنوات ارفاقی از محل اعتبارات تبصره یک تأمین و به صندوق‌های مذکور پرداخت خواهد شد.»

همانگونه که مشاهده می‌شود، «پیش‌بینی اعتبار در قوانین بودجه سنواتی» به عنوان محل تأمین بار مالی ناشی از طرح حاضر در نظر گرفته شده است. در این خصوص این نکته قابل توجه است که با عنایت به توضیحات پیش گفته تاکنون آنچه که بر اساس تبصره «۱» قانون بازنشستگی پیش از موعد قابل تأمین بوده است پرداخت حقوق بازنشستگی بر اساس دو سال آخر خدمت واقعی (سنوات ۲۴ و ۲۵) است و لذا طرح حاضر دولت را ملزم خواهد کرد که از این پس

۱. در بودجه سال جاری (۱۳۹۳) مطابق بند «د» تبصره ۱۹ «بازنشستگی پیش از موعد کلیه مشمولان قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶/۴/۵ و قانون تمدید آن در دستگاه‌های اجرائی دولتی با موافقت بالاترین مقام اجرائی دستگاه یا مقام مجاز موضوع مواد (۵۲) و (۵۳) قانون محاسبات عمومی کشور و بدون سنوات ارفاقی مجاز است. اجرای این حکم از محل اعتبارات هزینه‌ای دستگاه‌ها یا صرفه‌جویی ناشی از کاهش نیروها که میزان آن به تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور می‌رسد، قابل تأمین و پرداخت است.»

اعتبار بیشتری برای پرداخت حقوق بازنشستگان پیش از موعد مشمول قانون تأمین اجتماعی پیش بینی نماید و این امر نمی‌تواند طریقه تأمین هزینه جدید محسوب شود.

در این خصوص به موجب نظریه تفسیری شماره ۴۹۷۴۹/۳۰/۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان از اصل ۷۵ قانون اساسی «درج عبارت ... «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» ... اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا هزینه جدید مذکور در اصل ۷۵ قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

بنابراین حکم مذکور در ذیل ماده واحده نمی‌تواند تأمین کننده بار مالی این طرح محسوب شود و لذا مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد.

اظهار نظر کارشناسی درباره طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی

مقدمه

طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی که دو فوریت آن در جلسه یکشنبه مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۸ به تصویب رسید پس از بررسی در کمیسیون تخصصی مربوطه (کمیسیون قضائی حقوقی) در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۵ به تصویب رسید که در این گزارش به بررسی آن خواهیم پرداخت.

تبیین و بررسی موضوع

ماده (۱)

به موجب این ماده رئیس قوه قضائیه مکلف شده وزیر دادگستری را از میان «حقوقدانان» به رئیس جمهور معرفی نماید. در این خصوص ممکن است این مسئله مطرح شود که تعیین شرط «حقوقدان» بودن برای وزیر دادگستری مغایر صلاحیت و اختیار رئیس قوه قضائیه در اصل ۱۶۰ قانون اساسی مبنی بر پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس جمهور می‌باشد. چرا که به موجب اصل مزبور وزیر دادگستری از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌شود و با توجه به اینکه در این اصل واژه «کسان» واجد اطلاق و عموم می‌باشد، تضییق نمودن آن منجر به محدود نمودن صلاحیت رئیس قوه قضائیه خواهد شد.

اما از سوی دیگر به نظر می‌رسد منظور اصل ۱۶۰ قانون اساسی این بوده است که وزیر دادگستری باید از میان افرادی انتخاب شود که رئیس قوه قضائیه

به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند و در مقام بیان اینکه فرد مزبور باید دارای چه شرایطی باشد و یا اینکه نمی‌توان برای وی ضوابطی تعیین نمود نبوده است. علاوه بر این تعیین شرایط برای افراد جهت تصدی مقامات خاص به این صورت که صرفاً شرایط عامی برای تصدی آن مقام مقرر شود مغایر و محدود کننده صلاحیت مقام صالح در انتخاب افراد جهت تصدی مناصب نیست. به عنوان مثال در صورتی که مجلس برای سایر وزراء شرایط کلی تعیین نماید (همانگونه که برای برخی از وزراء تعیین گردیده است) نمی‌توان آن را مغایر صلاحیت رئیس جمهور در انتخاب وزراء دانست. به عبارت دیگر تعیین شرایط در صورتی می‌تواند محدود کننده صلاحیت مرجع صالح جهت تعیین آن مقام محسوب شود که اختیار وی با توجه به شرایط در نظر گرفته شده محدود به موارد خاص شود. در حالی که در حکم این ماده چنین امری واقع نمی‌شود.

اشکال دیگری که در خصوص این ماده می‌تواند مطرح شود ابهام در مفهوم «حقوقدان» است. زیرا ممکن است در تعیین مصادیق چنین مفهومی تردید شود که آیا منظور از «حقوقدان» صرفاً دانش آموختگان رشته حقوق می‌باشد و یا شامل اشخاص دیگر نظیر دارندگان پایه قضائی، اگر چه دانش آموخته رشته حقوق نباشند، نیز می‌شود. در این خصوص نیز به نظر می‌رسد با توجه به فهم عرفی از حقوقدان بودن و صلاحیت رئیس قوه قضائیه در معرفی چنین فردی و نهایتاً رأی اعتماد مجلس، ابهامی در این رابطه وجود نداشته باشد.

ماده (۲)

این ماده در مقام تعیین برخی مصادیق مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه می‌باشد:

۱- به موجب بند «الف» این ماده ارائه لوایح قضائی تهیه شده توسط رئیس قوه قضائیه به دولت و پیگیری جهت تصویب آنها برعهده وزیر دادگستری گذاشته است. باتوجه به اینکه مسئولیت ارائه لوایح قضائی به دولت و پیگیری جهت تصویب آنها می‌تواند از جمله مسائل مربوط به رابطه قوه قضائیه با قوای دیگر باشد که وزیر دادگستری مسئولیت آن را مطابق اصل ۱۶۰ برعهده دارد، فاقد ایراد است.

۲- به موجب بند «ب» این ماده برخی از امور مربوط به رابطه بین قوه قضائیه و قوه مقننه به وزیر دادگستری محول شده است. نظیر دفاع از لوایح قضائی در مجلس شورای اسلامی، اظهار نظر در مورد طرح‌های مربوط به قوه قضائیه و هماهنگی لازم جهت پاسخگویی به کمیسیون اصل نودم و همکاری جهت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در خصوص مسائل مربوط به قوه قضائیه. این موارد را نیز می‌توان در واقع از جمله مصادیق مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مقننه موضوع اصل ۱۶۰ دانست و لذا از این حیث مغایرتی با اصل ۱۶۰ و سایر اصول قانون اساسی نظیر اصل ۵۷ ندارد. اما مسئله ای که در خصوص این بند وجود دارد این است که وزیر دادگستری به اعتبار نمایندگی قوه قضائیه مسئولیت اینگونه موارد را خواهد داشت و لذا می‌بایست در واقع مطابق با نظر و هماهنگی با قوه قضائیه در مقام انجام چنین وظایفی باشد لیکن بند مزبور از جهت اینکه مشخص ننموده است وزیر دادگستری انتقال دهنده نظر رئیس قوه قضائیه می‌باشد یا خیر واجد ابهام است.

۳- در بند «پ» نیز تعدادی از مسائل مربوط به رابطه قوه قضائیه با قوه مجریه مشخص شده است و براساس آن پیگیری این مسائل برعهده وزیر

دادگستری نهاده شده است و لذا با توجه به اینکه این موارد نیز از جمله مصادیق موضوع اصل ۱۶۰ قانون اساسی است فاقد ایراد به نظر می‌رسد.

۴- بند «ت» هماهنگی در امور بین الملل در خصوص تنظیم قراردادهای همکاری و معاضدت قضائی، استرداد مجرمان، انتقال محکومان و امضای اسناد و اجرای مفاد آنها با رعایت اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه را برعهده وزیر دادگستری نهاده است.

در ارتباط با این ماده دو موضوع از یکدیگر قابل تفکیک می‌باشد. یکی هماهنگی در امور بین الملل در خصوص تنظیم قراردادهای همکاری و معاضدت قضائی، استرداد مجرمان، انتقال محکومان و امضای اسناد که می‌تواند از جمله مصادیق مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با سایر قوا محسوب و لذا در زمره مسئولیت های وزیر دادگستری قرار بگیرد و دیگری اجرای مفاد این موارد است. در صورتی که هماهنگی صرفاً ناظر به تنظیم قراردادهای همکاری و معاضدت قضائی، استرداد مجرمان، انتقال محکومان و امضای اسناد باشد و اجرای مفاد این قراردادها به صورت مستقل برعهده وزیر دادگستری نهاده شده باشد به دلیل اینکه اجرای این اسناد در واقع از جمله صلاحیت های قوه قضائیه محسوب می‌شود قرار دادن آن در صلاحیت وزیردادگستری مغایر اصول متعددی از قانون اساسی نظیر اصول ۱۶۰، ۱۵۶ و ۶۱ می‌باشد و لیکن در صورتی که هماهنگی مذکور در صدر بند ناظر به اجرای مفاد این قراردادها نیز باشد فاقد ایراد است. لذا به نظر می‌رسد حکم مذکور در ذیل این بند مربوط به «اجرای مفاد» قراردادها واجد ابهام باشد.

نهایتاً پیشنهاد می‌شود عبارت ذیل بند «ت» (با رعایت اصول قانون اساسی و

نظر رئیس قوه قضائیه) در ذیل اصل ماده (۲) اضافه شود تا به منظور رفع برخی ایرادات و ابهامات موجود، رعایت این موارد ناظر به کلیه موارد مذکور در این بند باشد.

ماده (۳)

به موجب این ماده آن بخش از برنامه‌های قوه قضائیه و نیارهای مالی این قوه و سایر اموری که منوط به تصویب هیأت وزیران است، پس از تایید رئیس قوه قضائیه از طریق وزیر دادگستری به هیأت دولت ارائه می‌شود.

برخی از موارد مذکور در این ماده را نیز می‌توان در زمره مسائل مربوطه به رابطه قوه قضائیه با قوه مجریه محسوب نمود چرا که مواردی موضوع این حکم قرار گرفته است که منوط به تصویب هیأت وزیران می‌باشد و لذا ذیل اصل ۱۶۰ قرار گرفته و مغایرتی با این اصل ندارد. لیکن عنوان «برنامه‌های قوه قضائیه» با توجه به اینکه چنین برنامه‌هایی مشخص بوده و اصولاً منوط به تصویب آن در هیأت وزیران نمی‌باشد، واجد ایراد بوده و مغایر اصول مربوط به استقلال و وظایف قوه قضائیه (اصول ۶۱، ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸) است.

ماده (۴)

به موجب بخش نخست از این ماده، وزیر دادگستری در قبال کلیه مسائل مربوطه روابط قوه قضائیه با سایر قوا و وظایف قانونی خود مانند سایر وزرا موظف است در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو باشد. در این خصوص با توجه به اینکه سؤال نمایندگان در رابطه با مسئولیت وزیر دادگستری در قبال مسائل مربوطه روابط قوه قضائیه با سایر قوا می‌باشد و به موجب اصل ۱۶۰ قانون اساسی این موارد در صلاحیت وزیر دادگستری می‌باشد فاقد ایراد به نظر

می‌رسد.

لیکن به موجب بخش دوم این ماده وزیر دادگستری همچنین موظف شده به سوالات نمایندگان مجلس در خصوص مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه پس از کسب اطلاع و با رعایت استقلال قضات پاسخ دهد.

در این خصوص با توجه به اینکه اولاً ابزارهای نظارت مجلس بر قوه قضائیه مشخص بوده (تحقیق و تفحص، اظهار نظر و کمیسیون اصل ۹۰) و این امر شامل سؤال نمایندگان از قوه قضائیه نمی‌باشد و ثانیاً چنین موضوعی در صلاحیت وزیر دادگستری نیست مغایر اصول متعددی از قانون اساسی نظیر اصول ۶۱، ۸۸ و ۱۶۰ می‌باشد.

ماده (۵)

این ماده مسئولان واحدهای مختلف قوه قضائیه را مکلف می‌کند تا اطلاعات و مدارک لازم را در اختیار وزیر دادگستری قرار دهند. این تکلیف در راستای حکم مذکور در ماده (۴) پیش بینی شده است.

این ماده علاوه بر اینکه به تبع ایراد وارده به ذیل ماده (۴) واجد ایراد است با توجه به اینکه تشکیلات قوه قضائیه زیر نظر رئیس قوه قضائیه بوده و هیچگونه تکلیفی نسبت به وزیر دادگستری ندارند، ایجاد تکلیف برای مسئولان واحدهای مختلف قوه قضائیه به پاسخگویی در مقابل وزیر دادگستری مغایر اصولی از قانون اساسی نظیر اصول ۶۱، ۱۵۷ و ۱۶۰ می‌باشد.

همچنین تبصره ماده (۵) نیز به تبع ایراد وارده به این ماده مغایر اصول مزبور می‌باشد.

ماده (۶)

این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را می‌دهد تا بتواند امور مالی، اداری و استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض نماید. این تفویض سالب اختیارات رئیس قوه نمی‌شود و وزیر دادگستری نیز بایستی هماهنگی‌های لازم را در اداره این امور با رئیس قوه قضائیه به عمل آورد. در خصوص این ماده مسئله ای که وجود دارد این است که مطابق ذیل اصل ۱۶۰ قانون اساسی رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. روشن است قید غیر قضات تنها برای اختیارات استخدامی در اصل ۱۶۰ ذکر شده است و در مورد اختیارات مالی و اداری تأثیری ندارد. به عبارت دیگر رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات اداری و مالی قوه را به وزیر دادگستری تفویض نماید و نه صرفاً امور مالی و اداری غیرقضات. لیکن به موجب ماده حاضر تفویض اختیار در امور مالی و اداری نیز محدود به غیر قضات شده است و از این جهت حکم مذکور در ذیل اصل ۱۶۰ مبنی بر صلاحیت رئیس قوه قضائیه در تفویض اختیارات اداری و مالی به وزیر دادگستری را تضییق نموده است. بنابراین این ماده از این جهت ابهام دارد که آیا رئیس قوه قضائیه تمام اختیارات مالی و اداری را مطابق اصل ۱۶۰ قانون اساسی تفویض کرده است یا تنها بخش مربوط به غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض می‌نماید.

ماده (۷)

این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را می‌دهد در صورتی که وزیر دادگستری دارای عملکرد سوئی بود گزارش آن را جهت تصمیم مقتضی به رئیس جمهور تقدیم کند. در این خصوص مسئله ای که وجود دارد این است

که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران عزل وزرا تنها به دو صورت امکان‌پذیر است. یکی از طریق استیضاح نمایندگان مجلس و رای عدم اعتماد آن‌ها براساس اصل ۸۹ قانون اساسی و دیگری عزل توسط رئیس جمهور به استناد اصل ۱۳۶ قانون اساسی. لذا رئیس قوه قضائیه امکان عزل مستقیم وزیر دادگستری را ندارد و در صورت عدم رضایت از عملکرد وی براساس این ماده می‌تواند گزارشی را در این خصوص به رئیس جمهور بدهد تا ایشان در صورت صلاحدید وزیر را عزل کند. بنابراین با توجه به اینکه این ماده تکلیفی برای رئیس جمهور ایجاد نمی‌کند و صرفاً ارائه گزارشی است که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور ارائه می‌کند و اختیار عزل یا عدم عزل وزیر همچنان در صلاحیت رئیس جمهور خواهد بود، از این جهت ایرادی به ماده وارد نیست.

ماده (۸)

به موجب این ماده آیین‌نامه اجرایی این قانون باید از سوی وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد.

مسئله حائز اهمیت است که در خصوص این ماده وجود دارد این است که رئیس قوه قضائیه با توجه به شان ریاستی قوه و اعمال مدیریت بر آن و براساس مجموعه صلاحیت‌ها و وظایفی که براساس اصل ۱۵۸ قانون اساسی و همچنین اصول دیگر آن قانون نظیر اصل ۱۵۶ بر عهده دارد می‌تواند در حوزه مسائل قضایی وضع آیین‌نامه نماید. موضوع این مصوبه نیز در عمده موارد قضایی بوده و لذا لازم است آیین‌نامه اجرایی آن توسط رئیس قوه قضائیه به تصویب برسد. اما در خصوص تهیه ابتدایی

چنین آئین نامه ای توسط وزیر دادگستری در صورتی که به معنای الزام تصویب چنین آئین نامه ای توسط رئیس قوه قضائیه باشد واجد ایراد است. لذا ماده مزبور از این جهت واجد ایراد است.

اصلاح اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس

مقدمه

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۷ به استناد ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح - مصوب ۱۳۸۱ - اقدام به اصلاح «اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس» نموده و در راستای اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی نزد شورای نگهبان ارسال کرده است که در این گزارش به بررسی این اصلاحیه خواهیم پرداخت.

پیشینه موضوع

به موجب ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح - مصوب ۱۳۸۱ - «اساسنامه سازمان^۱ و شرکتهایی که توسط سازمان مطابق ماده (۳)^۲ این قانون تشکیل می‌گردند به وسیله وزارت^۳ تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید و پس از تأیید فرماندهی کل قوا، جهت اجرا ابلاغ می‌گردد».

در این راستا «اساسنامه سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح» در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۵

۱. سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح

۲. ماده ۳- شرکت‌ها و واحدهای صنعتی و تحقیقاتی وزارت که فعالیت آنها در زمینه‌امور مذکور در ماده (۱) این قانون است به سازمان ملحق و حسب مورد به تابعیت یا وابستگی آن در می‌آیند و مطابق این قانون و مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی اداره می‌شوند. تبصره - به وزارت اجازه داده می‌شود در چارچوب اهداف و وظایف سازمان و به‌منظور تأمین نیازهای نیروهای مسلح، به ویژه در فن‌آوریهای جدید و استراتژیک و خرید اقلام مورد نیاز پس از تصویب هیأت وزیران و با کسب مجوز از فرماندهی معظم کل قوا، نسبت به ایجاد شرکتهای صنعتی و خدماتی وابسته به سازمان با مشارکت طرفهای داخلی و خارجی اقدام کند.

۳. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

به تصویب هیأت وزیران و پس از تأیید شورای نگهبان نهایتاً در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲۹ به تأیید فرماندهی کل قوا رسید.

به موجب ماده (۶) این اساسنامه^۱ چهار شرکت با سرمایه و دارایی های منقول و غیرمنقول خود به عنوان شرکت های زیرمجموعه سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح شناخته شدند که از جمله آنها «شرکت صنایع هوایی قدس» می باشد.

بر همین اساس «اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس» در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۷ به استناد ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح - مصوب ۱۳۸۱ - توسط هیأت وزیران به تصوب رسید و از سوی شورای نگهبان نیز مورد تأیید قرار گرفت.^۲

حال هیأت وزیران به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ به استناد ماده (۴) قانون تشکیل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح اقدام به اصلاح اساسنامه شرکت صنایع

۱. ماده ۶ - شرکت های زیر با سرمایه و دارایی های منقول و غیرمنقول خود در زیرمجموعه سازمان قرار می گیرند:

۱- شرکت صنایع هواپیمایی ایران (صها)

۲- شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران (پنها)

۳- شرکت صنایع هواپیماسازی ایران (هسا)

۴- شرکت صنایع هوایی قدس.

۲. لازم به ذکر است که اساسنامه مزبور ابتدائاً در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۹ به تصویب هیأت وزیران رسید که با توجه به ایرادات شورای نگهبان نهایتاً در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۷ اصلاح و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.

هوایی قدس نموده است و در راستای اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی نزد شورای نگهبان فرستاده است.

بررسی و تبیین

به موجب مصوبه هیأت وزیران در ماده (۱) «اساسنامه شرکت صنایع هوایی قدس» عبارت «شرکت صنایع هوایی قدس» به عبارت «شرکت صنایع طراحی و ساخت هواپیماهای سبک» اصلاح می‌شود.

در این خصوص باتوجه به اینکه صرفاً عنوان «شرکت صنایع هوایی قدس» به «شرکت صنایع طراحی و ساخت هواپیماهای سبک» تغییر یافته است فاقد ایراد مغایرت با قانون اساسی است و لکن نکته قابل تذکری که وجود دارد این است که به موجب ماده (۶) «اساسنامه سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح» که در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۵ به تصویب هیأت وزیران و در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲۹ به تأیید فرماندهی کل قوا نیز رسیده است، «شرکت صنایع هوایی قدس» بعنوان یکی از شرکت های زیرمجموعه سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح شناخته شده است و لذا مناسب بود در صورت اصلاح عنوان شرکت مزبور، ماده (۶) «اساسنامه سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح» نیز مورد اصلاح قرار می‌گرفت.

اظهار نظر کارشناسی در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت سهامی سازمان

آب و برق خوزستان

مقدمه

اساسنامه سازمان آب و برق خوزستان نخستین بار در تاریخ ۱۳۳۹/۰۳/۱۱ به تصویب کمیسیون مشترک برنامه مجلسین قبل از انقلاب رسید. پس از آن اساسنامه جدیدی در تاریخ ۱۳۴۷/۱۲/۲۶ به استناد ماده (۳) قانون تأسیس وزارت آب و برق مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۱۶^۱ و ماده (۲) قانون تأسیس شرکت‌های بهره‌برداری از اراضی زیر سدها مصوب ۱۳۴۷/۲/۳۰^۲ به تصویب کمیسیون‌های آب و برق و دارایی و امور استخدام مجلسین سابق رسید.

اساسنامه شرکت مذکور مجدداً طی تصویب نامه شماره "۲۸۲۶۳-۹۶۵۴" مورخ

۱. ماده ۳ - به وزارت آب و برق اجازه داده می‌شود که در اجرای وظایف موضوع بندهای الف - ب - ه - و - ماده یک این قانون مؤسساتی را که طبق اصول بازرگانی اداره خواهند شد به وجود آورد.

اساسنامه مؤسسات مزبور از طرف وزارت آب و برق تهیه و به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین خواهد رسید.

۲. ماده ۲ - اساسنامه شرکت‌های دولتی مذکور و همچنین هر گونه تغییر در اساسنامه سازمانها و شرکت‌های تابعه وزارت آب و برق و یا تبدیل سازمانها به شرکت‌های دولتی یا مختلط که اکثریت سرمایه آنها متعلق به دولت است بنا به پیشنهاد وزارت آب و برق و تصویب کمیسیونهای آب و برق و دارایی و استخدام مجلسین قابل اجرا خواهد بود.

۱۳۸۲/۳/۱۲^۱ با استناد به ماده (۴) قانون برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹^۲ - تصویب و ابلاغ شد.

۱. هیأت وزیران در جلسه‌های مورخ ۱۳۸۱،۱۲،۱۴ و ۱۳۸۲،۲،۷ بنا به پیشنهاد شماره ۶۹۴۳۲،۲۰،۱۰۰ مورخ ۱۳۸۱،۱۲،۱۱ وزارت نیرو و به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹ - اساسنامه شرکت‌های آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی و اردبیل، آذربایجان غربی، اصفهان و چهارمحال و بختیاری، تهران، خراسان، سیستان و بلوچستان، غرب، فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، گیلان، مازندران و گلستان، هرمزگان، یزد و سازمان آب و برق خوزستان را به شرح ذیل تصویب نمود:

اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای...

فصل اول - کلیات و سرمایه

ماده ۱- نام شرکت، شرکت سهامی آب منطقه‌ای..... . سازمان آب و برق خوزستان می‌باشد که از این پس در این اساسنامه شرکت نامیده می‌شود.
ماده ۲- هدف شرکت، انجام فعالیت‌های تصدی وزارت نیرو در امور آب در حوزه عمل شرکت است.

ماده ۳- مرکز اصلی شرکت، شهر.....خواهد بود.

ماده ۴- نوع شرکت سهامی (خاص) است و از هر لحاظ استقلال مالی داشته و طبق اصول بازرگانی ومقررات اساسنامه و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی خود اداره می‌شود.
ماده ۵- مدت شرکت نامحدود است.

ماده ۶- سرمایه شرکت عبارتست از مبلغ.....ریال که به.....سهم ریالی منقسم گردیده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

تبصره - تغییرات سرمایه با رعایت قوانین مربوط پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده با تصویب هیأت وزیران انجام می‌گیرد.....

۲. ماده ۴- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکتهای دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکتهایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکتهایی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیرضروری

بر اساس تبصره ماده (۶) اساسنامه مذکور، تغییر سرمایه این شرکت‌ها با رعایت قوانین مربوط و پس از تأیید مجمع عمومی فوق‌العاده و با تصویب هیأت وزیران امکان‌پذیر خواهد بود.

بر همین مبنا هیأت وزیران تاکنون دو مرتبه اقدام به اصلاح ماده (۶) اساسنامه سازمان مذکور نموده است، و از این طریق در جلسات مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۱^۱ و ۱۳۹۱/۱/۲۰^۲، سرمایه این شرکت را افزایش داده است. لازم به ذکر در هر دو مورد،

است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکتها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابجائی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارائی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند.

۱. هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۱ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱۳۳۲/۳۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۵ وزارت نیرو و به استناد ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - تصویب نمود:
ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای، موضوع تصویب نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳-هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

.....

۱۴- شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان:
سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱۲,۰۶۲,۰۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال که به (۱,۲۰۶,۲۰۲,۰۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد

...

۲. هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۸۳۶۳/۲۰/۱۰۰ مورخ

شورای نگهبان مصوبه هیأت وزیران را تأیید نموده است.

در اصلاح حاضر، مشابه دو اصلاحیه قبلی، هیأت وزیران قصد دارد تا با اصلاح ماده (۶) اساسنامه این شرکت اقدام به افزایش سرمایه آن نماید که از این جهت مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

▶ ۱۳۸۹/۲/۲۶ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه درخصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتهای و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷ - تصویب نمود:

ماده (۶) اساسنامه شرکتهای سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

.....

۲ - شرکت سهامی سازمان آب و برق خوزستان (تصویب نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵ هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۱۶۱۵۷۹۰۵۷۸۰۰۰ ریال که به (۱۶۱۵۷۹۰۵۷۸ ریال) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

اظهار نظر کارشناسی در خصوص اصلاح اساسنامه شرکت های آب

منطقه‌ای استان های کشور

(شرکت های آب منطقه ای استانهای؛ آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، گیلان، لرستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان، همدان، یزد)

مقدمه

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ به استناد «ماده واحده قانون استفساریه درخصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷»^۱ اقدام به اصلاح ماده (۶) برخی از اساسنامه های شرکت

۱. قانون استفساریه درخصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله موسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیأت وزیران می باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده - هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیأت دولت واگذار شده است، چون تغییرنظر دولت محسوب می‌شود با هیأت

های سهامی آب منطقه ای استان های کشور با موضوع اصلاح سرمایه این شرکتها نموده است که در راستای اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی نزد شورای نگهبان ارسال شده است.

بررسی و تبیین

شرکت های آب منطقه ای را باید به عنوان یکی از دست اندرکاران اصلی بخش آب در کشور دانست. این شرکتها امروزه وابسته به وزارت نیرو بوده و مشغول به فعالیت در حوزه صنعت آب در کشور می باشند و تصدی بخشی از امور را در سطح استان های زیر نظر خود برعهده دارند.

علی رغم اینکه اساسنامه برخی از این شرکتها توسط مجلسین سابق (پیش از انقلاب) به تصویب رسیده است، پس از انقلاب اسلامی و به استناد ماده ۳۲ قانون توزیع عادلانه آب - مصوب ۱۳۶۱^۱ - مجلس شورای اسلامی اجازه تأسیس و تشکیل این قبیل شرکتها را به هیأت وزیران اعطا کرد و هیأت وزیران نیز اقدام به تأسیس

▶
وزیران است.

۱. ماده ۳۲ - وزارت نیرو می تواند سازمانها و شرکتهای آب منطقه ای را به صورت شرکتهای بازرگانی رأساً یا با مشارکت سازمانهای دیگر دولتی یا شرکتهائی که با سرمایه دولت تشکیل شده اند ایجاد کند. اساسنامه این شرکتها به پیشنهاد وزارت نیرو به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید و شرکتهای مذکور از پرداخت حق الثبت و تمبر و هزینه دادرسی معاف خواهند بود.

وزارت نیرو می تواند از این اختیارات برای تغییر وضع شرکتها و سازمانها و مؤسسات موجود خود استفاده کند.

تعدادی از این شرکت‌ها نمود.

ماده (۴) قانون برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹-^۱ نیز به دولت امکان تأسیس و ادغام این قبیل شرکت‌ها را داد و بر طبق همین ماده هیأت وزیران در جلسه‌های مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۴ و ۱۳۸۲/۲/۲۷ به پیشنهاد وزارت نیرو اساسنامه شرکت‌های آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، تهران، خراسان، سیستان و بلوچستان، فارس، بوشهر و کهگیلویه و بویر احمد، کرمان، گیلان، مازندران و گلستان، هرمزگان، یزد و سازمان آب و برق خوزستان را به تصویب رسانید.

قانون «تبدیل ادارات کل امور آب استان‌ها به شرکت‌های آب منطقه‌ای استان و تبدیل شرکت‌های آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را در بر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط» مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۶ نیز یکی دیگر از مصوباتی است که

۱. ماده ۴- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیرضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابجائی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارائی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند.

صراحتاً اجازه تأسیس شرکت‌های آب منطقه‌ای استانی را به دولت داد.^۱

بر این اساس دولت در مورخه ۱۳۸۴/۳/۱۸ اقدام به تصویب اساسنامه تعدادی از شرکت‌های فوق‌الذکر نمود و شورای نگهبان نیز در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۷ این مصوبات را تأیید نمود.

ماده (۶) همه این اساسنامه‌ها در مقام تعیین میزان سرمایه این شرکت‌ها مقرر می‌دارد:

«سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال می‌باشد که به ده سهم یک

۱. «ماده واحده- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود نسبت به تبدیل شرکتهای آب منطقه‌ای که بیش از یک استان را در بر می‌گیرد به شرکت آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط و در استانهایی که شرکت آب منطقه‌ای تشکیل نشده است، نسبت به تبدیل ادارات کل امور آب استانها به شرکتهای آب منطقه‌ای استان ذی‌ربط با مأموریت انجام وظایف عملیاتی مدیریت منابع آب در محدوده هر استان با وظایف و اختیارات یکسان و بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و تأسیسات آبی استان از طریق واگذاری وظایف غیرحاکمیتی مربوط طبق قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و رعایت اصول چهل و چهارم (۴۴) و چهل و پنجم (۴۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحویل امکانات و منابع انسانی ادارات کل امور آب استانها به این شرکتها به گونه‌ای که موجب گسترش تشکیلات نشده و ایجاد بار مالی اضافی برای دولت ننماید، اقدام کند.

امور حاکمیتی از قبیل مدیریت حوضه‌های آبریز، مطالعات جامع منابع آب، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه منابع آب، تعیین تخصیص و سهم بخش‌های مختلف مصرف آب، انتقال بین حوضه‌ای و تعیین ارزش اقتصادی آب کماکان به‌عهده وزارت نیرو خواهد بود. در هر حال حقباهای اشخاص باید محفوظ بماند.

اساسنامه شرکتهای مذکور بنا به پیشنهاد مشترک وزارت نیرو و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور حداکثر دو ماه پس از ابلاغ این قانون به‌تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره- این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است.»

میلیون ریالی منقسم شده است و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می باشد و پرداخت شده است.»

تبصره این ماده نیز تغییر سرمایه این شرکتها را با رعایت قوانین مربوط و پس از تأیید مجمع عمومی فوق العاده و با تصویب هیأت وزیران امکان پذیر نموده است. بر همین مبنا هیأت وزیران تاکنون دو مرتبه اقدام به اصلاح ماده (۶) نموده، و از این طریق در جلسات مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۱ و ۱۳۹۱/۱/۲۰، سرمایه این شرکتها را افزایش

-
۱. هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۱ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱۳۳۲/۳۱/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۵ وزارت نیرو و به استناد ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - تصویب نمود:
ماده (۶) اساسنامه شرکت سهامی آب منطقه‌ای، موضوع تصویب نامه شماره ۹۶۵۴/ت/۲۸۲۶۳ هـ مورخ ۱۳۸۲/۳/۱۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:
۱- شرکت سهامی آب منطقه‌ای تهران:
سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۸/۸۸۵/۲۲۰/۳۴۰/۰۰۰) ریال که به (۸۸۸/۵۲۲/۰۳۴) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.
 - ۲- شرکت سهامی آب منطقه‌ای فارس:

...

این اصلاحیه به موجب نامه شماره ۸۶/۳۰/۲۲۸۰۱ مورخ ۱۳۸۶/۷/۸ شورای نگهبان به تأیید شورای یاد شده رسیده است.

پرویز داودی - معاون اول رییس جمهور

۲- هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۸۳۶۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۶ وزارت نیرو و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷ - تصویب نمود:



داده است. لازم به ذکر در هر دو مورد، شورای نگهبان عدم مغایرت مصوبه هیأت وزیران را تأیید نموده است.

در اصلاحات حاضر نیز، مشابه دو اصلاحیه قبلی، هیأت وزیران قصد دارد تا با اصلاح ماده (۶) اساسنامه این شرکتها اقدام به افزایش سرمایه آنها نماید ولذا ضمن بیان سرمایه جدید این شرکتها، به محل تأمین این افزایش سرمایه پرداخته است که از این جهت مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

► ماده (۶) اساسنامه شرکت‌های سهامی آب منطقه‌ای به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- شرکت سهامی آب منطقه‌ای آذربایجان غربی (تصویب نامه شماره ۱۱۹۴۳۹/ت/۳۷۰۲۵ هـ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۸)

سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ (۰۷۰۰۷۰۰۰ ر ۹۱۶۴۷۴ ر ۱) ریال که به (۱۳۷ ر ۴۹۱ ر ۶۰۷) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد.

...

اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران

مقدمه

مصوبه حاضر در مقام اصلاح «اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران» و به استناد ماده واحده قانون استفساریه درخصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت^۱، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ به تصویب هیأت وزیران رسیده و در راستای اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شده است.

تبیین و بررسی

به نظر می‌رسد «شرکت سهامی توسعه منابع آب و نیروی ایران» در سال ۱۳۶۸ به استناد بند «ز» تبصره ۲۹ قانون برنامه اول توسعه^۲ ایجاد شده است. اساسنامه شرکت

۱. موضوع استفساریه: آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیأت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس: ماده واحده - هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیأت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیأت وزیران است.

۲. به منظور استفاده حداکثر از ظرفیتهای منابع آب و نیروی کشور، به دولت اجازه داده می‌شود که احداث سدهای کارون سه، کارون جریانی چهار، کرخه و گویشان را تا سقف سه میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار از طریق انعقاد قراردادهای اعتباری بلندمدت تأمین کند.

مزبور در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۳۰ بر اساس ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^۱ به تصویب هیأت وزیران رسید که به استناد ماده واحده قانون استفساریه درخصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، اصلاح آن نیز در صلاحیت هیأت

۱. ماده ۴ - به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکتهای دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکتهائی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکتهائی که ادامه فعالیت آنها در بخش دولتی غیرضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکتهای دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکتها، تصویب آیین نامه های مالی و معاملاتی، تصویب آیین نامه های استخدامی و بیمه، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابجائی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارائی های شرکتهای دولتی و شرکتهای وابسته به آنها با رعایت موارد ذیل اقدام کند:

الف - کلیه امور مربوط به سیاستگذاری و اعمال وظایف حاکمیت دولت از شرکت های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی تخصصی ذی ربط محول می‌گردد.

ب - شرکت های دولتی حداکثر تا پایان سال چهارم برنامه در قالب شرکت های مادر تخصصی سازماندهی شده و زیر نظر مجمع عمومی در چارچوب اساسنامه شرکت اداره خواهند شد. این گونه شرکتها از نظر سیاست‌ها و برنامه های بخشی تابع ضوابط و مقررات وزارتخانه های تخصصی مربوطه خواهند بود. حق مالکیت دولت در این گونه شرکتها) به استثناء شرکتهائی که ریاست مجمع آنها ب ارییس جمهور است(از طریق وزارت امور اقتصادی و دارائی یا سازمان مالکیت شرکتهای دولتی که به استناد این قانون زیر نظر رئیس جمهور تشکیل خواهد شد) به تشخیص دولت(اعمال خواهد شد. دولت مکلف است نسبت به اصلاح اساسنامه این گروه شرکتها به نحو مقتضی اقدام قانونی نماید. بار مالی احتمالی تشکیل سازمان مذکور از ردیف های متمرکز در اختیار رئیس جمهور تأمین می‌گردد. کلیه شرکتهائی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام بوده و یا دارای قانون خاص هستند، مشمول این ماده می‌باشند.

تبصره ۱ - تشکیل شرکتهای دولتی صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است.

وزیران می‌باشد و پیش از این سه بار مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته است.
مصوبه حاضر به اصلاح ماده (۶) اساسنامه مزبور پرداخته است که به افزایش
سرمایه شرکت یاد شده و محل تأمین این افزایش سرمایه اختصاص دارد و از این
حیث مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان

مقدمه

«اصلاح اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان» به استناد «ماده واحده قانون استفساریه درخصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷ ل» در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۳ به تصویب هیأت‌وزیران رسیده که در راستای اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شده است.

پیشینه موضوع

پیشینه «شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان» به «سازمان عمران سیستان» برمی‌گردد که به موجب «قانون اجازه تصویب اساسنامه سازمان عمران سیستان» مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۸ مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه آن به دولت داده شد و هیأت‌وزیران در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۹ اساسنامه سازمان مذکور را تصویب نمود. سپس به موجب مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۳/۲۴ شورای عالی اداری، «سازمان عمران سیستان به شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان تغییر نام» یافت و «وزارت نیرو مکلف» شد «حداکثر ظرف مدت یک‌ماه با انجام اصلاحات لازم در اساسنامه سازمان عمران سیستان، اساسنامه شرکت توسعه منابع آب و خاک سیستان را تهیه و به تصویب هیأت‌وزیران برساند». بر همین اساس و در تاریخ ۱۳۸۲/۴/۸، هیأت‌وزیران «به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹ ل که اجازه «اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها» را به دولت داده است و با اصلاح «اساسنامه سازمان عمران سیستان»، به تصویب «اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان» مبادرت ورزید. اساسنامه اخیرالذکر در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ «به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۹ ل^۱ و در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۲۷ جهت ترتیب‌اثر دادن به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی اصلاح شد. آخرین اصلاحیه «اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان» نیز به وسیله مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۶/۱۱ هیأت‌وزیران و «به استناد ماده (۷) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ ل^۲

۱. ماده ۴- «به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آن‌ها در بخش دولتی غیرضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، با رعایت مقررات و قوانین مربوط و جابجائی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارائی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آن‌ها با رعایت موارد ذیل اقدام کند: ...»

۲. ماده ۷- «به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از امکانات شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که ضروری است در بخش دولتی باقی بمانند و نیز فراهم کردن زمینه واگذاری شرکت‌هایی که ادامه فعالیت آن‌ها در بخش دولتی غیرضروری است به بخش غیردولتی، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری، انحلال، ادغام و

صورت گرفته است که اجازه «اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها» را به دولت داده است. به موجب اصلاحیه مذکور، ماده (۶) اساسنامه^۱ که میزان سرمایه شرکت را مشخص می‌کرد، بدین ترتیب اصلاح شد: «ماده ۶- سرمایه شرکت عبارت است از مبلغ سی‌وهشت میلیارد و هشتصد و سی‌ونه میلیون (۳۸/۸۳۹/۰۰۰/۰۰۰) ریال که به سه میلیون و هشتصد و هشتاد و سه هزار و نهصد (۳/۸۸۳/۹۰۰) سهم ده هزار ریالی منقسم گردیده و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران می‌باشد».

هیأت‌وزیران در اصلاحیه کنونی خود نسبت به «اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان»، اقدام به اصلاح و افزایش میزان سرمایه شرکت مزبور از «سی‌وهشت میلیارد و هشتصد و سی‌ونه میلیون (۳۸/۸۳۹/۰۰۰/۰۰۰) ریال» به «نود و دو میلیارد و نهصد و پنجاه‌وهشت میلیون و هفتصد هزار (۹۲/۹۵۸/۷۰۰/۰۰۰) ریال» نموده و اعلام کرده که «افزایش سرمایه یادشده از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأمین

تجدید سازمان شرکت‌های دولتی، اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها، تصویب آئین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، تصویب آئین‌نامه‌های استخدامی و بیمه، بارعایت مقررات و قوانین مربوط و جابه‌جائی و انتقال وظایف، نیروی انسانی، سهام و دارائی‌های شرکت‌های دولتی و شرکت‌های وابسته به آن‌ها با رعایت موارد ذیل اقدام کند: ...»

۱. ماده ۶- «سرمایه شرکت مبلغ دو میلیارد ریال منقسم به دویست هزار سهم ده هزار ریالی است که از محل دارایی‌های ایجادشده طرح‌های عمرانی تأمین می‌شود و تماماً متعلق به شرکت مادر تخصصی مدیریت منابع آب ایران است.»

شده است». لذا به نظر می‌رسد مستندات تصویب و اصلاح «اساسنامه شرکت سهامی توسعه منابع آب و خاک سیستان» موجه بوده و مغایرتی با قانون اساسی ندارد.

امام خمینی (ره):

و از شورایی محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل مابقی آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود رایانها و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(سخن امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قزنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir